نگاه

آرمین خبر داد

حلالیت بهزاد نبوی و راستی‌کاشانی از یکدیگر

• محسن آرمین در گفت‌وگو با سایت جماران از دیدگاه‌های خود درخصوص نقش آیت‌الله راستی‌کاشانی در انحلال سازمان مجاهدین انقلاب سخن گفت. او همچنین از حلالیت بهزاد نبوی و راستی‌کاشانی از یکدیگر خبر داد. اهم این سخنان را می‌خوانید:

• مرحوم آیت‌الله راستی‌کاشانی نماینده امام در سازمان و همچنین از شاگردان و ارادتمندان ایشان بودند و طبیعی است که به دلیل رشد و نمو در فضای حوزوی به تفکرات سنتی گرایش داشته و با جریان روشنفکری دینی میانه‌ای نداشته باشند. این موضوع طبیعتا و خودبه‌خود اختلافاتی را پدید می‌آورد. اما آن چیزی که این مشکلات را تشدید کرد، این بود که بخشی از اعضای سازمان که دارای تفکرات سنتی بودند نیز با دوستان ما به اختلاف برخوردند. به‌طوری‌که این گروه کم‌کم با مرحوم آیت‌الله راستی‌کاشانی ارتباط ویژه‌ای برقرار کردند. این نزدیکی با آقای راستی و اختلافات با دیگر اعضا باعث شد این افراد در مورد دوستان ما گزارش‌های غلطی به آقای راستی بدهند. این امر موجب بدبینی ایشان به دوستان ما شد و هرچه زمان گذشت، بر شدت این بدبینی‌ها افزوده شد و تلاش‌های دوستان دیگر برای ازبین‌بردن این بدگمانی هم متأسفانه به جایی نرسید.

• مثلا یکی از مواردی که می‌توانم نام ببرم این بود که دوستان ما با طرح تقسیم اراضی و مواضع مرحوم بهشتی موافق بودند ولی آقای راستی و جامعه مدرسین به شدت مخالف این طرح بودند. یا اینکه مثلا دوستان ما مرحوم شریعتی و مطهری را شاخص می‌دانستند و معتقد بودند می‌توان تلفیقی از اندیشه این بزرگواران را مبنا قرار داد. اما مرحوم راستی‌کاشانی به‌خصوص در مورد مرحوم شریعتی ملاحظاتی داشتند و مسائلی از این قبیل... این اختلافات و همچنین گزارش‌های غلطی که توسط برخی از اعضای سازمان به ایشان داده می‌شد، آیت‌الله راستی‌کاشانی را نسبت به دوستان ما نگران و همچین بدبین کرده بود. بعد از مدتی این اختلاف‌ها به جایی رسید که دیگر فعالیت درون‌سازمانی برای دوستان ما ممکن نبود. نهایتا اعضای سازمان بعد از مشورت با مرحوم سیداحمد خمینی و اطلاع به حضرت امام، از سازمان جدا شدند و پس از آن سازمان دیگر فعالیت مؤثر سیاسی گذشته را نداشت.

• هرچند امام اساسا با داشتن نماینده در سازمان‌های سیاسی خیلی موافق نبود یا به این نتیجه رسیده بودند که نباید در این‌گونه سازمان‌ها نماینده‌ای داشته باشند، به‌همین‌دلیل بعد از دو یا سه سال از خروج دوستان ما حضرت امام به خاطر حفظ شأن آیت‌الله راستی‌کاشانی که یکی از وفاداران به امام و شاگردان امام خمینی(س) بودند، از ایشان خواستند از سازمان استعفا دهند؛ آقای راستی هم که به توانایی گردانندگان آن زمان و همچنین به آینده سازمان خیلی اعتمادی نداشتند و نگران بودند، فرصت را غنیمت شمرده و هم‌زمان با استعفای خود انحلال سازمان را هم اعلام کردند. این توضیح مفصل را به این خاطر بیان کردم تا بر این نکته تأکید کرده باشم که امروز وقتی بعد از گذشت سه دهه به آن روزها نگاه می‌کنم، بروز آن اختلافات را یک امر طبیعی و گریزناپذیر می‌بینم و واقعا تقصیر را متوجه مرحوم آیت‌الله راستی نمی‌دانم.

• آیت‌الله راستی در دیدگاه‌های خودشان کاملا صادق بود و آنچه را که درست می‌دانست، عمل می‌کرد؛ اهل زدوبند سیاسی و قدرت نبود. واقعیت این بود که با گزارش‌های مغرضانه‌ای که به ایشان داده بودند، واقعا فکر می‌کردند ما دارای افکار انحرافی هستیم؛ به تعبیر دیگر ایشان تلاش می‌کرد براساس وظایف شرعی خودشان آنچه را درست می‌دانست انجام دهد. مواضع آیت‌الله راستی‌کاشانی در سال‌های بعد کاملا این نظر را تأیید می‌کند. نهایتا در این سال‌ها به‌خصوص در سال‌های نیمه دوم دهه ۸۰ به روند امور موضع مثبتی نداشت و نگاهشان کاملا انتقادی بود. در مورد برخوردی که با آیت‌الله هاشمی در انتخابات ۹۲ شد ناراحت و منتقد بودند. به همین دلیل هم در حاشیه قرار گرفتند.

• سال گذشته آقای نبوی دیداری با مرحوم آیت‌الله راستی‌کاشانی داشتند که دیدار بسیار خوبی بود. به طوری که کاملا این تفاوت نگاه‌ها را در دو طرف می‌شد دید. هم آقای راستی دیگر آن دیدگاه گذشته را نسبت به دوستانمان نداشتند و این را به صراحت در آن جلسه ایشان بیان کردند و هم آقای نبوی از جانب خودشان و دوستان سازمان این تقدیر و نگاه مستقل را نسبت به ایشان اعلام کردند و به تعبیری از همدیگر حلالیت طلبیدند.

politics@sharghdaily.ir

فرمانده وقت سپاه آبادان در گفت‌وگو با «شرق» روایت کرد

یک سال مقاومت در حصر

مرجان توحیدی

شب پنجم مهر سال ۶۰ عملیات ثامن‌الائمه برای شکست حصر آبادان انجام می‌شود. این نقطه پایان تلاش و مقاومت یک‌ساله مردمی بود که در حصر بودند. مقاومتی که به روایت مهدی کیانی فرمانده سپاه آبادان کمتر به آن اشاره شده است. کیانی در این گفت‌وگو بیشتر از زمان حصر و مقاومت مردم آبادان می‌گوید. از تحرکات قبل از جنگ و اینکه به گفته او روز ۳۱ شهریور آبادانی‌ها غافلگیر نشدند.

مسئولیت شما در جریان حصر آبادان چه بود و از چه زمانی حضور داشتید؟

از بهار ۵۸ تا چند ماه بعد از شکست حصر آبادان، فرمانده سپاه آبادان بودم. باید بگویم جنگ ایران و عراق از شهریور ۵۹ شروع نشد. بلکه وقتی از اردیبهشت ۵۸ از شهر دزفول به آبادان اعزام شدم، در حقیقت برای مقابله با مقدمات جنگ وارد این شهر شدم. چراکه مقدمات جنگ ایران و عراق از بهار ۵۸ هویدا شده بود. دوست و هم‌رزم شهیدم جهان‌آرا از من خواست برای برقراری آرامش در دو شهر آبادان و خرمشهر به او کمک کنم. به طور قاطع می‌گویم بعد از پیروزی انقلاب حوادثی در شرف وقوع بود که آبادان را به سمت حصر سوق می‌داد.

چه حوادثی؟

در اولین روزهای بعد از انقلاب به این نتیجه رسیدیم خطری که ما را تهدید می‌کند، از جانب مرزهای کشور است. عراقی‌ها ظرفیت‌ها و ضعف‌های مهم مرزی ما را شناسایی کرده بودند. در این میان، آبادان مهم‌ترین نقطه مرزی بود که عراق می‌توانست بر آن فشار وارد کند. آبادان بالای ۵۰۰ هزار نفر جمعیت داشت و پالایشگاه نفت مرکزی کشور هم در این شهر بود. از سوی دیگر بندر مهمی بود که دومین فرودگاه بین‌المللی کشور هم آنجا قرار داشت. آبادان شهری صنعتی و کارگری بود که گروه‌ها و تشکل‌های صنفی و کارگری در آن فعالیت تشکلی قوی داشتند. این فعالیت‌ها هم موافق و هم مخالف نظام نوپای جمهوری اسلامی بود. از سوی دیگر آبادان شهری طبقاتی بود که منطقه کارگرنشین، منطقه کارمندان شرکت نفت و انگلیسی‌ها را در خود می‌دید و می‌توانست آبستن حوادث باشد. عراق تصور می‌کرد اگر بتواند منطقه‌ای آباد و پرجمعیت را تصرف کند، می‌تواند بقیه اهداف خود را هم به جمهوری اسلامی حقنه کند. می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که عراق نقطه مطلوب خود را شناسایی کرده و با هدف جلو آمده بود.

در بخشی از اتفاقی که در ماجرای حمله عراق رخ می‌دهد، مقاومت مردمی به چه صورتی شکل گرفت؟

در آبادان قبل از آنکه جنگ به طور رسمی آغاز شود، صدای انفجار، تخریب پل، آتش‌زدن بخش‌هایی از پالایشگاه، ترور و... از سال ۵۸ آغاز شده بود. بنابراین تردیدی وجود ندارد که عراق جنگ را با هدف آغاز کرد. مثلا بازار روز را در ساعت پیک روز منفجر کردند و مواردی از این دست. در این بازه زمانی شاهد رفت‌وآمد عراقی‌ها و جاسوسی برای آنها هم بودیم.

این تحرکات از طرف گروهک‌ها و با دخالت عراقی‌ها صورت می‌گرفت؟

این تحرکات بدون تردید از طرف عراق انجام می‌شد. افرادی که دستگیر می‌شدند، اعلام می‌کردند که به عراق رفت‌وآمد داشته و پول و تجهیزات گرفته‌اند. این افراد هم وابستگی به گروه‌های داخلی داشتند و هم عراقی بودند. بنابراین ما روز ۳۱ شهریور ۵۹ واقعا غافلگیر نشدیم چون ما جنگ را از یک سال قبل از آن به طور تدریجی حس کرده بودیم. ما حتی نقشه‌ها و مدارکی را در مدرسه عراقی‌هایی که در خرمشهر وجود داشت، کشف کرده بودیم که نشان از انجام عملیات از سوی دولت عراق داشت.

شما اینها را به مقامات مافوق اطلاع می‌دادید؟

بله. ولی باید پذیرفت که کشور در شرایط بعد از انقلاب بود. ما یعنی من و شهید جهان‌آرا متوجه بودیم که اتفاقاتی در شرف وقوع است، اما ابعاد آن را درک نکرده بودیم. من ۲۲ سالم بود و قادر به تحلیل آن شرایط نبودم.

نتیجه انتقال داده‌ها چه بود؟ ظاهرا جدی نگرفته بودند؟

بله. واقعیت این است که ما درگیر موضوعات و مسائل تهران بودیم و کسی تلقی روشنی از حوادث احتمالی پیش‌رو نداشت. من بارها به استاندار وقت گفته بودم. ولی نیروهای مسلح هم وضعیت مناسبی نداشت. ارتش تصفیه شده بود و سپاه هم به درستی شکل نگرفته بود.

به روز بمباران برگردیم. چه اتفاقی افتاد. شما تا چه حد امکانات داشتید و تا چه حد با مشکل مواجه بودید؟

اولین کاری که کردیم تلاش برای آموزش و گسترش آن بین نیروهای مردمی بود که برای کمک به سپاه پیوسته بودند. تمام نیروهای بسیجی و پاسدار سراسر خوزستان را تجمیع کرده و آموزش دادیم. ما علاوه بر اینکه مرزهای خود را نگه داشته بودیم، تلاشمان کمک به خرمشهر بود که جنگ از آنجا آغاز شده بود. اینجا نقطه شکل‌گیری مقاومت مردمی بود. باید بگویم اگر مقاومت مردمی یک‌ماه‌ونیم تا دو ماه ابتدایی جنگ را نادیده بگیریم، بخش اعظمی از روایت صادقانه جنگ از دست رفته است. ما بختیار بودیم که مردم نیروهای مسلحی را که در زمان ابتدای جنگ وجود داشت، همراهی کردند. روز پنج مهر و عملیات ثامن‌الائمه (شکست حصر آبادان) روز مهمی است اما اهمیت این عملیات به اندازه مقاومت یک‌ساله مردمی در آبادان نیست. دلیل این اهمیت این است که دشمن تا زاویه ۳۳۰ درجه آبادان را در محاصره قرار داده بود و برای هر نوع ورود به شهر باید از این حلقه تنگ محاصره عبور می‌شد. دو نقطه عبوری خطرناک وجود داشت؛ یکی اطراف خور موسی بود و دیگر جاده خاکی که در نخلستان احداث شده و همان جاده هم منجر به اسارت شهید تندگویان شد. یعنی هرکسی که می‌خواست وارد شود، باید این خطرات را می‌پذیرفت و تازه وارد شهر می‌شد. از این جهت جنگ در آبادان با جنگ در سایر نقاط متفاوت بود. ترکیب جمعیتی که در آبادان حضور داشتند، بخشی از مردم، بسیج و سپاه آبادان بود.

زندگی در شرایط محاصره چگونه بود؟

آبادان در شرایط محاصره فعالیت‌های خود را ادامه می‌داد. نمازجمعه شهر ترک نمی‌شد. پالایشگاه نفت و کارمندانش کار خود را انجام می‌دادند در عین اینکه دفاع هم می‌کردند. این نکته مهمی است که تمام شاکله فرماندهان جنگ، در محاصره آبادان شکل گرفت. از جمله این چهره‌ها می‌توان به شهیدان حسین خرازی، احمد کاظمی، کلهر، مهدی و حمید باکری، حسن شفیع‌زاده و شوشتری و شهید زنده، مرتضی قربانی و سردار قاسم سلیمانی اشاره کرد. اینها فرماندهان خودخوانده بودند. احمد کاظمی با ۵۰، ۶۰ نفر از بچه‌های نجف‌آباد بدون تشریفات آمده بود. عرصه عملی جنگ آبادان همه این چهره‌ها را آبدیده کرد. اگر بخواهم خاطره‌ای بگویم می‌توانم به صبر و سختی‌ای که شهید باکری برای ورود به آبادان متحمل شد، اشاره کنم. برادر من فرماندار دزفول بود گفت مهدی و حمید باکری با ۲۰ نفر به سمت آبادان می‌آیند. ما از طریق بی‌سیم با آنها در ارتباط بودیم. متوجه شدیم به جزر آب خورده و در گل گیر کرده‌اند. آنها چندین روز باید منتظر می‌ماندند تا یک مد کامل رخ دهد و بتوانند از گل خارج شوند. آنها چندین روز آب شور دریا خوردند و بدون غذا بودند تا بتوانند وارد شهر شوند. وقتی وارد شدند، انگار فرشته نجات بودند. همه این چهره‌ها مهدی امینی، حسن شفیع‌زادگان و... بزرگانی بودند که وارد آبادان شدند و بعد هم به چهره‌های سرشناس جنگ بدل شدند. هرکسی می‌خواست وارد آبادان شود، باید وصیت خود را می‌نوشت. ما هروقت برای جلسه به اهواز می‌آمدیم، استرس فراوانی داشتیم از اینکه شهر را ترک کرده‌ایم. ما به آن فضا خو گرفته بودیم، مانند فرزندی که به مادر خود خو گرفته قلبمان برای بازگشت به سینه می‌زد. وقتی خدمت امام رفتیم تا درباره عملیات شکست حصر آبادان مشورت کنیم، گفتیم سرمایه‌های کشور در آبادان خوابیده و نمی‌شود این سرمایه و این نفت و پالایشگاه را دودستی تقدیم عراق کرد. اعلام کردیم اگر کمک هم نیاید، می‌مانیم.

عمدی در کمک‌نکردن وجود داشت؟

خیر. ما باید این را لحاظ می‌کردیم که کشور در شرایط بعد از انقلاب است. مثلا یکی از مسئولان آن موقع گفت که ما فقط می‌توانیم از محور اهواز-دزفول-اندیمشک دفاع کنیم و همچنین دفاع از محور ماهشهر را برعهده بگیریم. درواقع تلقی عامه مسئولان نظامی این بود که خرمشهر، آبادان، ماهشهر، اهواز و دزفول باید به همین شکل باقی بماند و بیش از این نمی‌توانیم فعالیتی انجام دهیم... .

نکته

کیانی: در آبادان قبل از آنکه جنگ به طور رسمی آغاز شود، صدای انفجار، تخریب پل، آتش‌زدن بخش‌هایی از پالایشگاه، ترور و... از سال ۵۸ آغاز شده بود

اصلا در این بازه یک‌ساله حصر، به فکر عملیات آزادسازی نبودید؟

در اولین روزهای محاصره، در یکی از هتل‌ها، ستاد عملیات راه انداختیم و همه چهره‌ها و نظامیان به این کانون وارد شدند و از آنجا سازماندهی انجام می‌گرفت. ما قسم خورده بودیم اجازه نمی‌دهیم بیش از این خاک آبادان به محاصره دربیاید و هرکسی وارد این کانون می‌شد، با ما هم‌قسم می‌شد. ما در ماه‌های ابتدایی مقاومت مردمی را شکل دادیم مثل ساختن سنگر و دادن آموزش نظامی. اینجا باید بگویم پالایشگاه، سازمان و لجستیک پالایشگاه آبادان و نفت هم نقش مهمی در مقاومت مردمی داشت. باید بگویم جنگ برای سرداران نبوده و نیست، جنگ برای مردمی است که اسمی از آنها برده نمی‌شود. جنگ برای کارمندی بود که در آن شرایط بنزین تولید می‌کرد، تانک تعمیر می‌کرد. بعد از مدتی متوجه شدیم گویا اخبار آبادان به‌خوبی به پشت جبهه منتقل نمی‌شود. ما با شورای عالی دفاع در ارتباط بودیم. البته با بنی‌صدر هم در ارتباط بودیم اگرچه با هم اختلاف داشتیم. آن روزها ارتش و سپاه هم اختلاف زیادی داشتند و حرف هم را متوجه نمی‌شدند. این هم علاوه‌بر کمبود نیرو و امکانات مزید بر علت شده بود. در حقیقت ما هماهنگ نبودیم. اما اینکه گفته می‌شود بنی‌صدر اجازه نمی‌داد ما بجنگیم، اصلا چنین چیزی نبود. یعنی برای ما موضوعیت نداشت که او اجازه بدهد در جبهه باشیم یا نباشیم. ما هرکجا که لازم بود حضور داشتیم و تصمیم‌گیر بودیم. به‌تدریج به این نتیجه رسیدیم باید اخبار دست‌اول ما به خارج از خرمشهر و آبادان برسد. تصمیم گرفتیم تا با امام ملاقات کنیم. امام به‌طور مرتب نمازجمعه‌های آبادان را رصد می‌کرد. شب‌هایی بود که در دفتر سیداحمد خمینی تماس می‌گرفتند که اوضاع آبادان چگونه است. ما تصمیم گرفتیم با امام به‌طور مستقیم ملاقات کنیم و گزارش وضعیت آبادان درحال‌سقوط و خرمشهر سقوط‌کرده را به ایشان ارائه بدهیم. از طریق مرحوم آیت‌الله جمعی مجموعه‌ای از بچه‌های سپاه آبادان، خرمشهر و فرمانداری این دو شهر و همچنین ارتش گروهی با همراهی شهید جهان‌آرا خدمت امام بروند. در ابتدا هم گویا برای برگزاری این جلسه از سوی مقامات دفتری امام مقاومت صورت گرفته بود، به‌خاطر اینکه نگران وضعیت قلب و سلامتی امام بودند. تا اینکه درنهایت این اجازه داده شد. دوستان حاضر در جلسه حتی با لباس جنگی خدمت امام رسیدند و گزارش را ارائه کردند. امام خیلی متأثر شده و آخر از جلسه خارج شده بودند، دوستان هم از منزل خارج شده و وارد محوطه حسینیه شدند که مرحوم احمدآقا به آنها گفته بود شب قرار است جلسه شورای عالی دفاع برگزار شود، شما در آن جلسه حضور داشته باشید. شب جلسه شورای عالی دفاع در حضور امام تشکیل شد و امام در آن جلسه دستور شکستن حصر آبادان را اعلام کرد.

دیدار سردار غیب‌پرور با فرمانده کل ارتش

تسنیم: رئیس سازمان بسیج مستضعفین با فرمانده کل ارتش دیدار کرد. سردار غلامحسین غیب‌پرور، رئیس سازمان بسیج مستضعفین و جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران در امور بسیج و تعدادی از معاونان بسیج، در هفته دفاع مقدس با فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران دیدار کردند. امیرسرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی، فرمانده کل ارتش با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی برکات زیادی را به همراه دارد که بسیج، اصلی‌ترین برکت این انقلاب است، گفت: بسیج کلید حل بسیاری از معماهای ماست و ظرفیت زیادی در دل خود نهفته دارد که باید از آن استفاده کرد و بنده هم افتخار می‌کنم که یک بسیجی‌ام. فرمانده کل ارتش گفت: مفتخرم از دوران جوانی عضو بسیج محله بوده‌ام و همچنان هم با پایگاه بسیج محله‌مان ارتباط دارم و همواره به خدمت در بسیج افتخار می‌کنم چراکه معتقدم فعالیت در بسیج نصیب هر فردی نمی‌شود. فرمانده کل ارتش افزود: ارتش برای خدمت‌رسانی به مردم برنامه‌های جدیدی دارد و طرح‌هایی نیز آماده کرده است که قطعا از ظرفیت بسیج هم استفاده خواهد کرد. در ادامه این دیدار، سردار غیب‌پرور، رئیس سازمان بسیج، نیز گفت: بسیج، ظرفیتی است که هر جا ارتش اراده کند، آماده همکاری است تا ارتش مقتدر کشورمان را یاری رساند. او افزود: برکت کارهای ما در نظام اسلامی در سایه خدمت خالصانه به مردم است و بسیج بیش از ۱۰ رویکرد جدید خود را تدوین کرده که از جمله فعالیت‌های خدمت‌رسانی در قالب گروه‌های جهادی و گروه‌های پزشکان بسیجی را به صورت هدفمند، پی‌ریزی کرده و به‌زودی اجرائی می‌کند. در این دیدار، معاونان طرح و برنامه راهبردی، تربیت و آموزش و روابط‌عمومی بسیج و مسئول سازمان بسیج دانش‌آموزی نیز حضور داشتند.

خبر

آمانو خواستار شفاف‌سازی درباره بند T در برجام شد

• ایسنا: مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواستار شفاف‌سازی درباره یکی از بندهای توافق هسته‌ای مرتبط با یک فناوری شد که بنابر ادعای او می‌تواند برای ساخت سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد. به گزارش خبرگزاری رویترز، یوکیا آمانو مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز سه‌شنبه از قدرت‌های جهانی خواست تا درباره بند T ضمیمه اول توافق هسته‌ای با ایران شفاف‌سازی کنند. موضوعی که روسیه با آژانس و کشورهای غربی بر سر راستی‌آزمایی آن اختلاف نظر دارند. این بند از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) فعالیت‌هایی را که می‌تواند در طراحی و توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای مؤثر باشد، منع می‌کند. در این بند به مواردی مانند استفاده از مدل‌های کامپیوتری که بمب هسته‌ای را شبیه‌سازی می‌کند یا طراحی سیستم‌های چندنقطه‌ای، انهدام انفجاری اشاره شده است. برخلاف دیگر بخش‌های برجام، در بند T به نام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا جزئیاتی که این بند چگونه باید راستی‌آزمایی شود، اشاره نشده است. روسیه می‌گوید که این به آن معنی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هیچ اختیاری درخصوص آنچه به‌طورکلی هم بیان شده است، ندارد. قدرت‌های غربی و آژانس با آن مخالف‌اند. آمانو در پاسخ به سؤال رویترز مبنی بر اینکه آیا آژانس ابزارهای لازم برای راستی‌آزمایی بند T را دارد، گفت: ابزارهای ما محدود هستند. برای مثال در بندهای دیگر، ایران متعهد است اطلاعیه‌هایی ارائه دهد، فعالیت‌هایش را تحت پادمان‌های آژانس قرار دهد یا دسترسی ما را تضمین کند. اما در بخش T من چنین تعهدی نمی‌بینم.

مدیرکل آژانس ابراز امیدواری کرد که طرف‌های توافق در نشست‌های کمیسیون مشترک درباره این موضوع بحث و گفت‌وگو کنند و حتی یک توضیح شفاف‌تر درباره مفاد آن مانند فناوری نیز می‌تواند یک پیشرفت باشد. آمانو تصریح کرد: شفاف‌سازی بیشتر سودمند خواهد بود. روسیه دیدگاهی متفاوت دارد. آنها معتقدند که این در وظایف آژانس قرار داده نشده است. سایرین، دیدگاه‌های دیگری دارند و رایزنی‌ها در این زمینه ادامه دارد. او در بخش دیگری از اظهاراتش بار دیگر تأکید کرد که ایران به تعهدات هسته‌ای‌اش در این توافق عمل می‌کند.

موسسه خیریه بهنام دهش‌پور
حمایت از بیماران مبتلا به سرطان
Behnam Daheshpour Charity Organization
behnamcharity.org.ir
behnamcharity

از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل

با سفارش تابلوهای تسلیت موسسه خیریه بهنام دهش پور، هزینه تهیه گل توسط اهداکننده به نیت اجرمتوفی، به درمان بیماران مبتلا به سرطان اختصاص می‌یابد. برای سفارش تلفنی در ساعات اداری (۹ الی ۱۵) با شماره تلفن های ۷۵۴۰۹ و ۲۲۲۰۸۷۹۷ داخلی ۲۳۱_۲۰۴ و در ساعات غیراداری (تا ساعت ۲۱) با شماره ۰۹۲۱۹۵۶۵۹۸۰ و یا ۰۹۱۲۸۱۶۴۵۰۰ تماس حاصل فرمایید. برای سفارش آنلاین به وب سایت موسسه مراجعه نمایید.